



۱۰ صفحه نخست معیاری برای انتخاب فیلمنامه

آموزش نگارش صحیح ده صفحه نخست فیلمنامه

تالیف: توسعه دهنده نرم افزار اوران - تیم طراحی نرم افزار سناریست «نسخه حرفه ای»

DEMO

جلسه دوازدهم

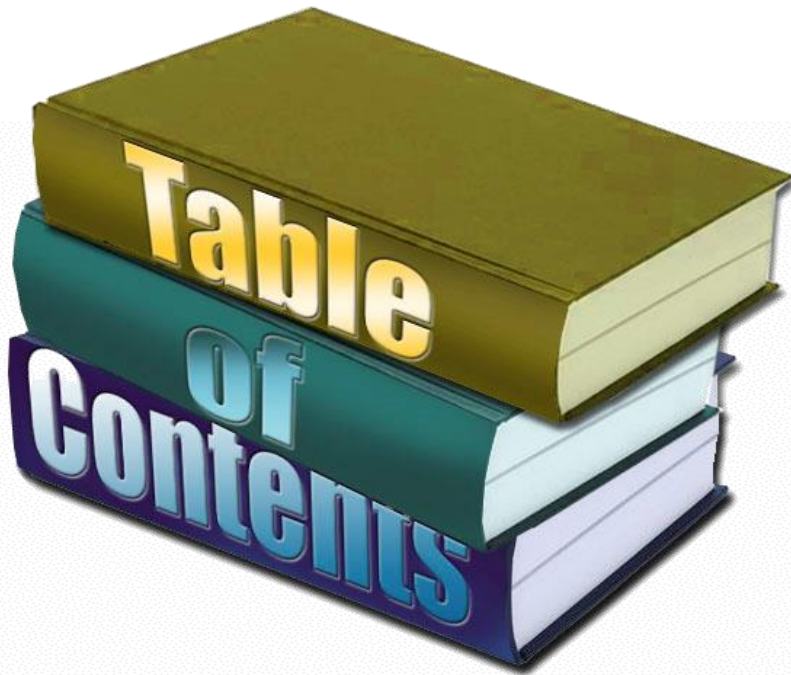
بروزرسانی: ۱۳۹۶/۰۲/۳۱



دارای مجوز نشر آنلاین مرکز توسعه فن آوری
اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به توسعه
دهنده نرم افزار اوران می‌باشد.



فهرست مطالب



- مقدمه
- چرا ده صفحه اول حائز اهمیت است؟
- اشتباهات رایج نویسندگان در این ده صفحه
- ملزومات اساسی ۱۰ صفحه اول
- ذهنیات یک تهیه کننده در خصوص یک فیلمنامه جدید
- مصاحبه با تهیه کننده های معروف در خصوص ده صفحه نخست
- سه اصل اساسی در به قلاب انداختن مخاطب در ده صفحه اول
- رعایت ۶ نکته حیاتی در ده صفحه اول
- دقیقه به دقیقه ده صفحه نخست در قالب یک مثال
- تست نهایی ده صفحه نخست
- آوت لاین نویسی ده صفحه اول – فاز ۱ فیلمنامه برگرد کاتسوری

نویسندگان عزیز ؛

چنانچه تا کنون ما را دنبال کرده باشید، مستحضرید که در ۱۲ جلسه قبلی، به ترتیب، تم، ایده، ژانر، کاراکتر و ساختار را مورد بررسی تخصصی قرار داده ایم. در جلسه ششم پایان بندی فیلمنامه و صحنه پایانی را مفصل شرح دادیم. سپس صحنه افتتاحیه را به تفصیل شناختیم. بعد با کلیات پرده اول در جلسه هشتم آشنا شدید. سپس حادثه انگیزنده را شناختید. در جلسه دهم، به صورت تخصصی تر با حادثه کلیدی و واکنش کلیدی (نقطه عطف اصلی اول) آشنا شدیم. و در جلسه دوازدهم با نقطه عطف دوم اصلی آشنا شدید.

اینک زمان آغاز فاز آوت لاین نویسی می باشد. آوت لاین نویسی مطابق دوره آموزش فیلمنامه نویسی اوران، شامل ۹ فاز می باشد.

فاز اول ده صفحه نخست می باشد که به دلیل اهمیت بالا، در یک جلسه آموزشی به صورت جداگانه، به تفصیل و با ذکر مشخصات و باید و نباید های آن، به شناخت آن می پردازیم. هر جایی را که نگاه کنید، به فیلمنامه نویسان توصیه شده که تا می توانند ده صفحه اول فیلمنامه شان جذاب و گیرا باشد. و خب این توصیه خوبی هست. زیرا اگر ۱۰ صفحه اول را "خوب" بنویسید؛ این شانس را پیدا می کنید که پیش نویس فیلمنامه تان توسط نماینده استدیوها یا تهیه کنندگان کمپانی ها مورد استقبال قرار گیرد و یا حتی برای تصاحب آن رقابت صورت گیرد.

اما دانستن اینکه "خوب بودن" در ۱۰ صفحه اول به چه معناست؛ دشوارترین قسمت کار است. اگرچه، کمتر توصیه ای به نویسندگان برای ارزیابی شخصی خود برای ۱۰ صفحه ای که نوشته اند شده است. در حالیکه بسیار مهم است که نویسندگان ابزاری برای ارزیابی درست کار خودشان داشته باشند. در غیر اینصورت تمام تلاشها بیهوده است.

برای تسلط بر این ده صفحه، با ما و آموزش های این جلسه همراه باشید.

چرا ده صفحه اول حائز اهمیت است؟

اگر یک نماینده استدیو یا تهیه کننده ای قصد داشت فیلمنامه شما را بخواند، باید آگاه باشید که: در ۹۹ درصد موارد شما شانس کمی دارید که آنها را تحت تاثیر قرار دهید. بسیاری از نمایندگان و تهیه کنندگان اذعان دارند که اگر با مطالعه ۲ تا ۵ صفحه ابتدایی فیلمنامه تحت تاثیر قرار نگیرند؛ آن را به سطل آشغال می اندازند.



آن ها انسان های پرمشغله ای هستند و وقتی برای تلف کردن ندارند. صدها فیلمنامه در اتاقشان دارند. آنها می خواهند فیلمنامه ای را از بین صدها فیلمنامه انتخاب کنند که مفهوم و لاگ لاین آن را بپسندند. اما آن فیلمنامه نویسان خوش شانس فقط تعداد صفحات کمی را برای تحت تاثیر قرار دادن نمایندگان استدیوها و تهیه کنندگان در اختیار دارند و اگر این صفحات نخست نتوانند وظیفه خود را به درستی انجام دهند، فیلمنامه شما نادیده انگاشته خواهد شد.

بله خیلی سخت گیرانه است. اما صادقانه از خود بپرسید: اگر من در جایگاه آن ها بودم و صدها فیلمنامه در صندوق پستی ام داشتم و هر روز هم به تعداد آن ها افزوده می شد، چه می کردم؟ اکثر افراد کاری را خواهند کرد که آن ها می کنند.

متأسفانه با خواندن صفحه اول و دوم، و یا حتی پاراگراف اول و دوم بسیاری از فیلمنامه‌هایی که توسط افراد غیر مشهور نوشته شده است، متوجه می‌شوید که آیا فیلمنامه شان مناسب است یا خیر. ما فیلمنامه‌های بسیاری را با غلط‌های املایی و گرامری آن هم در صفحه اول (حتی در پاراگراف اول) دیده ایم و این اصلاً نشانه خوبی نیست. از دیگر نشانه‌های بد آن است که صفحه اول پر از جملات نثر غیرضروری و بلند باشد که در اینصورت اینگونه به نظر می‌رسد که نویسنده تمایل به نوشتن رمان دارد.

چنانچه خواننده فیلمنامه بخواهد فیلمنامه شما را بر اساس توصیه‌ای بخواند، شما زمان کافی برای تحت تاثیر قرار دادن او را در اختیار دارید. خوشبختانه در این حالت، قبل از هر قضاوتی، آنها فیلمنامه را به طور کامل می‌خوانند. اما دستیابی به اینچنین توصیه‌هایی رابطه می‌خواهد و ممکن است بسیاری از نویسندگان در بدو امر این رابطه را نداشته باشند.

فیلمنامه نویسان مشهور این شانس را دارند که فیلمنامه آنها از اولین صفحه تا fade out خوانده شود. اما برای فیلمنامه نویس‌های غیرمشهور، قضاوت خیلی سریع‌تر اتفاق می‌افتد.

آیا این عادلانه است؟ خیر... اما این حقیقت صنعت فیلمسازی می‌باشد. راه حل چیست؟

فیلمنامه ای بی نظیر بنویسید.

مطمئن شوید که ده صفحه اول فیلمنامه تان فوق العاده باشد. اگر به هر دلیلی نمی‌توانید چنین کاری کنید، حداقل این ۱۰ صفحه را جذاب خلق کنید. داشتن ۱۰ صفحه نخستین غیرجذاب و خسته کننده یک اشتباه اساسی است که فقط از یک فیلمنامه نویس آماتور بر می‌آید.

توجه کنید که جذابیت در مورد فیلمنامه های ژانر عملی-تخیلی یا اکشن از اهمیت بالاتری برخوردار است. سعی کنید در صحنه اول یا دوم، توجه خواننده را کاملاً به خود جلب کنید. همین کار باعث می‌شود فیلمنامه شما ورق بخورد و به بیان دیگر این صحنه های اولیه فداکاری می‌کنند تا بقیه صحنه ها خوانده شوند.

خوانندگان، برای قضاوت کردن اینکه آیا فیلمنامه ارزش آن را دارد که کامل خوانده شود یا نه، غالباً ۱۰ صفحه اول یک فیلمنامه را می‌خوانند. آگاه باشید که حتی گاهی فیلمنامه شما به خاطر چیزهایی ساده مثل سلیقه شخصی خواننده (برای مثال یک خواننده بخصوص، علاقه ای به ژانر فیلمنامه شما یا ایده داستان شما ندارد، به همین دلیل هر چقدر هم فیلمنامه شما خوب باشد، به سختی هیجان زده می‌شود) خیلی سریع شکست می‌خورد. در ادامه در خصوص نبایدهای ۱۰ صفحه اول مطالبی خواهیم آموخت.

اشتباهات رایج نویسندگان در این ده صفحه

تمام نویسندگان می‌دانند که ۱۰ صفحه اول آنها از مهمترین صفحات کل فیلمنامه آنها می‌باشد. اما معدود نویسندگانی هستند که بدانند چگونه هنر خود را در این ۱۰ صفحه نشان دهند. در اینجا می‌خواهیم برخی خطاهای رایج را از نقطه نظر یک خواننده فیلمنامه بیان کنیم تا از آن اجتناب شود:

الف) عدم تهیه سیناپس

همواره باید سیناپس همراه با فیلمنامه فرستاده شود تا خوانندگان فیلمنامه احساس بهتری برای قضاوت کار داشته باشند. هرچند به ندرت خوانندگان فیلمنامه سیناپس را می‌خوانند (زیرا پولی بابت آن دریافت نمی‌کنند) اما سیناپسی که خوب نوشته شده است و قانع کننده باشد، می‌تواند در انتخاب فیلمنامه نقش مثبتی ایفا کند. اما هیچگاه سیناپسی که روی آن کار زیادی نشده را نفرستید. همواره مطمئن شوید که کاملاً تصحیح شده باشد. اکثر سیناپس ها بجای آنکه آگاهی بخش باشند، بیشتر خواننده را گیج می‌کنند. از این کار اجتناب کنید تا در اقلیت افرادی قرار گیرید که کار درست را انجام می‌دهند!

SUMMARY

ملزومات اساسی ۱۰ صفحه اول

طبق باورهای مذهبی، پروردگار برای خلق جهان ۶ روز صرف کرده است. شما نیز ۱۰ صفحه در اختیار دارید...

همه شما داستان های دلهره آور زیادی در مورد تهیه کننده هایی شنیده اید که تنها ۱۰ یا ۲۰ صفحه از فیلمنامه تان را می خوانند و اگر برایشان جذاب و گیرا نباشد؛ فیلمنامه را به گوشه ای پرت می کنند. متأسفانه این داستان ها حقیقت دارد. به همین خاطر باید مطمئن شوید که صفحات اولیه شما تمام عناصر لازم برای سرگرم نگاه داشتن خواننده را داشته باشند.

شما باید تصویری را در صفحات اولیه خود نگارگری کنید که مشخص کند داستانتان برای خواننده، جذاب و قابل تجسم است. ما نیازمند یک صحنه افتتاحیه فوق العاده هستیم. **لحن و ژانری واضح و روشن، کاراکترهایی جذاب، دیالوگ ها و صداهای احساسی و چشم گیر، لحظات مخاطره انگیز، درگیری،** یک تم فوق العاده و دنیایی که ما را از آغاز جذب خود کند.

شما پروردگار دنیای فیلمنامه خود هستید. اضافه می کنید، نابود می کنید، می سازید، الهام می دهید، کنترل می کنید. صفحات اولیه تان باید طعم دنیایی را به ما بچشانند که قرار است به آن سفر کنیم و به ما نشان دهد که چرا منحصر به فرد می باشد. قبل از اینکه حتی یک کلمه بنویسید، باید از دنیایی که خلق می کنید شناخت کافی داشته باشید. به این نحو، می دانید که چه قسمت هایی را برجسته کنید تا خواننده نیز همانند شما عاشق آن شود. و این نکته حتی برای کسانی که فیلمنامه های علمی- تخیلی، فانتزی می نویسند از اهمیت بالاتری برخوردار است.



زمانی که دنیایی خارج از دنیای روزمره خودتان طراحی می کنید، باید به همه چیز فکر کنید. **محل، بازه زمانی، چشم انداز، طرح، رنگ آمیزی، سبک خانه ها، وضعیت فناوری، ارتباطات، حمل و نقل، مذهب، سیستم قضایی و حقوقی، اجرای قانون، مردم چه پوششی دارند، چطور صحبت می کنند، چه می خورند، چگونه ملاقات می کنند و چگونه رابطه جنسی دارند.** اگر به تمامی این موضوعات فکری نکرده اید، بنابراین تا به حال دنیایی خلق نکرده اید. تنها یک صحنه نوشته اید.

۲- کاراکترها قصد دارند چه کار کنند و به چه چیزهایی نیاز دارند؟

برای ما فیلمهای تلویزیونی یا سینمایی که کاراکترهای آنها در طول روز برای ساعتها هیچ کاری انجام نمی‌دهند؛ جذابیتی ندارند. ما می‌خواهیم داستان کاراکترهایی را تماشا کنیم که ویژگی منحصر به فردی داشته باشند و کار خاصی انجام دهند. آن هم برای دلایلی خاص. چون برای بدست آوردن چیزی خاص این کار را انجام می‌دهند. گاهی اوقات دلیل تغییر می‌کند و ناگهان به کار دیگری مشغول می‌شوند. اما صرف نظر از اینکه چه اتفاقی قرار است بیافتد، در ده صفحه اول، خواننده می‌خواهد بداند که کاراکترهای شما "چه می‌خواهند و چرا؟". این مورد هم اصلا قابل زدن نیست و باید حواستان جمع باشد.



۳- ما در چه زمانی قرار داریم و دقیقا کجا هستیم؟ (زمان و مکان اصلی شکل گیری داستان کجاست؟)

ما برای شناخت کاراکترهایمان، نیازی به یک پیش داستان طولانی نداریم. همچنین نیازی به مدت زمان فوق العاده زیاد برای راه اندازی آن نداریم. مخاطبین و مطبوعات بسیار باهوش هستند و فوری این مسائل را درک می کنند و متنفرند از این که احمق فرض شوند. بنابراین برای معرفی کاراکتر، نگاه به گذشته در داستان توصیه نمی شود. مخصوصا در شروع داستان. نگذارید مخاطب در زمانهای متفاوت گیج شود، و در صورتیکه چاره ای ندارید، بهتر است تفاوت چهره کاراکترها یا تغییر زمانی

معین در زمانهای متفاوت یا مکانهای مختلف در متن بولد شود. در مواردی که داستان خطی ست (صرف نظر از ژانر آن) می توان با از پیش خبر دادن درگیری که قرار است برای کاراکتر اصلی اتفاق بیافتد و در داستان های غیرخطی، بدترین وضعیت ممکن که می تواند برای کاراکتر اتفاق بیافتد، به سرعت مخاطب را درگیر داستان کنیم. اما با رعایت همین اصل (مخاطب بداند دقیقا با چه کسانی ، کجا و در چه زمانی طرف است) و اصلا و به هیچ وجه نگذارید که منتظر کاراکترها باقی بمانیم. کاراکترها و داستان باید خیلی نزدیک به هم معرفی شوند. نه اینکه اول یکی و سپس دیگری.



ذهنیات یک تهیه کننده در خصوص یک فیلمنامه جدید

روش غلبه بر تهیه کنندگان فیلم این است که تمام توجه آنها، کاملاً به ده صفحه اول فیلمنامه تان معطوف شود. البته که ادامه فیلمنامه نیز همانند ۱۰ صفحه نخست فیلمنامه باید خوش ساخت و اغواکننده باشد. اما اگر خواننده در این ۱۰ صفحه غرق داستان شما نشود و کنجکاو نشود که در آینده چه اتفاقی قرار است بیافتد؛ دیگر هیچ شانسی برای شما وجود ندارد که علاقمندان صنعت فیلمسازی، صفحه ۱۱ ام شما را نیز مطالعه کنند. و برای همین است که خوانندگان صنعت فیلمسازی باهوش هستند و وقتشان پر است. آنها هیچ زمانی برای از دست دادن ندارند. و صادقانه بگویم چرا باید هم وقت آنها را تلف کنیم و هم وقت خودمان را؟

فیلمنامه شما کارت ویزیت شماست و نام شما بر روی آن حک شده است. از این کار شما به پایان رسیده (فیلمنامه را نوشته اید) به خود افتخار کنید. این ۱۰ صفحه برای تاثیر ماندگار بر روی خواننده بسیار حیاتی می باشد.

موارد زیر، بعضی از تفکراتی هستند که در ذهن مدیران سینمایی می‌گذرد، آنهم زمانی که فیلمنامه شما را در دست دارند:

- چرا باید به این فیلمنامه اهمیت بدهم؟
- چگونه می‌توانم این فیلمنامه را بفروشم؟
- از این فیلمنامه متنفرم! بیشتر از ۱۲۰ صفحه هست و هنوز وقت نهار نشده؟!
- این فیلمنامه هیچ نوآوری و استثنایی نسبت به دیگر فیلمنامه‌هایی که خوانده‌ام ندارد!
- طرح جدید و نوآورانه نیست
- صفحات آغازین شبیه رمان نوشته شده و شباهتی به فیلمنامه ندارد.
- ژانر گیج‌کننده است. می‌تواند وحشت باشد یا کمدی یا دلهره‌آور یا درام! نمی‌توانم متوجه شوم.
- من متوجه نمی‌شوم که کاراکتر اصلی که بود و داستان چگونه و کجا ادامه می‌یافت و بعد از مطالعه چند صفحه دیگر اهمیتی ندادم.
- کاراکترها گنگ و مبهم هستند و نتوانستم با آنها همذات‌پنداری کنم.
- کاراکترها با هم قابل تعویض هستند.

مصاحبه با چند تهیه کننده در خصوص ۱۰ صفحه نخست

۱- چه چیزهایی از ده صفحه نخست هر فیلمنامه دستگیرتان می‌شود؟

نیجل: من در ده صفحه اول به اندازه کافی در مورد فیلمنامه خواهم فهمید. اینکه کاراکترهای اصلی چه کسانی هستند و قرار است ماجرا ما را به کجا بکشاند. در همین ۱۰ صفحه است که تصمیم می‌گیرم آیا از این داستان خوشم می‌آید یا نه. گاهی اوقات در ۵ صفحه اول.

لانگی: گاهی فقط سه صفحه کافی است. گاهی اوقات کمی بیشتر.

۲- در صفحه نخست به دنبال چه هستید؟

نیجل: غلط‌های های املائی و نگارشی و فرمتی اولین چیزی است که جلب نظر می‌کند. می‌خواهم داستان جاری شود و به راحتی وارد آن شوم و به آن احساس تعلق کنم. در نهایت می‌خواهم کاراکترها، یونیک و متمایز باشند و داستان صدای گیرا و رسایی داشته باشد. موقعیت‌ها باید جذاب باشند. یا مرا به شدت بخندانند.



راز موفقیت ده صفحه نخست، ایجاد رابطه و برانگیخته کردن احساسات مخاطب برای کاراکترهاست. معمولاً کسی به این موضوع اشاره نمی‌کند. اما برای ایجاد حس همذات پنداری باید چه کنیم؟

الف- قهرمان را در شرایط بسیار سخت و طاقت فرسا قرار دهیم. به گونه ای که مخاطب بتواند آن شرایط را درک کند.

ب- تکنیک دیگر اینست که او را توسری خور به تصویر بکشید و یا به صورت یک مرد یا زن بسیار معمولی که باید با چیزی جدید و فوق العاده به چالش کشیده شود.

پ- کاراکتر را مجبور کنید تا با یک مصیبت و بلایی که سزاوار او نیست درگیر شود. با یک از دست دادن جانکاه. با یک خشونت بی حد و حصر



۱- نشان دادن زمان و مکان داستان:



در دیالوگ ها به سرعت مشخص می شود مکان داستان کجاست. جایی که متی می گوید: " من فقط ۱۴ سال داشتم وقتی که تام چنی بی شرف پدرم رو در فورت اسمیت آرکانزاس کشت، زندگیش رو غارت کرد و اسبش رو برداشت و دو قطعه طلای کالیفرنایی که همیشه همراهش بود رو دزدید." فیلمنامه اصلا به صورت علنی مشخص نمی کند دقیقا در چه سالی هستیم. اما به جای اینکار، کوئن ها از المان های مخصوص دوره مد نظر خود استفاده می کنند: برای حمل و نقل از اسب ها استفاده می شود، قطار، اعدام ها در ملا عام، توالت های قدیمی بیرون خانه، و... تا حسی از زمان را به مخاطب القا کنند. علاوه بر تمام اینها لحن و گرامر دیالوگها به گونه ای است که مخاطب متوجه دوره زمانی می شود.

مثالی از چند فیلم برای ده صفحه نخست

حال بیایید ببینیم در ده صفحه اول بعضی از فیلم های موفق چه گذشته است. بیایید دقیقه به دقیقه آنها را دنبال کنیم:

دقیقه اول: جلب توجه

هر ژانری که می نویسد، تفاوتی نمی کند، همه فیلمهای موفق با یک تنش آغاز می شوند. بهترین فیلمنامه نویسان از ۶ روش برای قلاب اندازی استفاده می کنند: **خطر**، **اضطراب**، **خصومت**، **ناراحتی**، **سکس** یا **یک رویداد** یا **حقیقت غیرعادی** و **هیجان انگیز**.

در فیلم **حس ششم** نوشته شیامالان، همسر بروس ویلیس برای برداشتن یک بطری شراب به زیرزمین می رود و ناگهان سرمای آزاردهنده و غیرطبیعی را حس می کند. می ترسد و با عجله زیرزمین را ترک می کند. شیامالان از یک **ناراحتی** که هدایت کننده حس مخاطب به سمت **خطر** است استفاده می کند.



تست نهایی ده صفحه نخست

پس از رعایت نکات مذکور در این جلسه، و **پس از آوت لاین نویسی، هنگامی وارد مرحله نگارش اصلی می شوید**، باید از این تست برای ده صفحه اول فیلمنامه خود استفاده کنید تا از کارکرد منطقی و درست آن اطمینان حاصل کنید.

هیچکس نمی تواند به یک نویسنده فرمول کلی خوب نوشتن را بیاموزد. اما می توان به او آموخت که از چه کارهایی حذر کند. لیست زیر و بارم بندی آن را در ده صفحه نخست هر فیلمنامه خود بکار ببرید. چنانچه نمره استاندارد را بدست آورید، مطمئن باشید مخاطب شما با شوق تمام به خواندن فیلمنامه شما ادامه خواهد داد. بازه نمرات:

۰ تا ۷: عملکرد بسیار عالی

۸ تا ۱۵: زیاد خوب نیست اما با کمی اصلاحات می توانید شانس خود را افزایش دهید.

۱۶ تا ۲۵: فقط باید امیدوار باشید مخاطب بسیار بخشنده یا پر حوصله باشد.

۲۶ تا ۴۰: باید کلیه قواعد و فرمول های فیلمنامه نویسی مربوط به ده صفحه نخست را بار دیگر به دقت بخوانید و دوباره از نو بنویسید.

۴۰+: اوضاع اصلا خوب نیست.

پس از مطالعه دقیق ۱۰ تا ۱۲ صفحه نخست فیلمنامه، مطابق بارم بندی زیر به خود امتیاز دهید و این امتیازات را در انتها با هم جمع جبری کنید (نمرات مثبت در واقع بار منفی دارند):

پایه ها:

۴+ امتیاز: عدم استفاده از فونت استاندارد (ب نازنین ۱۴ در ایران)

۱+ امتیاز: بولد کردن نام کاراکتر برای بار دوم و دفعات بعدی در توصیفات صحنه

۳+ امتیاز: اشاره به زمانی غیر از "روز" و "شب" در عنوان صحنه

۲+ امتیاز: طولانی کردن توضیح مکان در عنوان صحنه

۳+ امتیاز: خطای املائی

۶+ امتیاز: استفاده از هر نوع توضیح اضافه با خودکار روی برگه فیلمنامه

۶+ امتیاز: استفاده از هر نوع تصویر یا دیاگرام در فیلمنامه

۳+ امتیاز: استفاده از لغات تخصصی مانند زوایای دوربین در فیلمنامه

۳+ امتیاز: استفاده از توصیفات ذهنی (مثلا اتاق بوی سیر می دهد)



حالا بیایید اصلی ترین سوال ها را در نظر بگیریم:

در پاسخ به این سوالات هر چه می خواهید بنویسید، بعدا در مرحله نگارش نسخه اولیه همه چیز را بروز و بهتر خواهید کرد.

۱ - ما در چه زمانی قرار داریم و دقیقا کجا هستیم؟

این مورد باید در همان کارت اول روشن شود. اگر تا به حال اینکار را نکرده ایم حالا باید انجام دهیم. صحنه افتتاحیه را که به خاطر دارید؟ ما حوالی سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ هستیم. مهم اینست که همین را نشان دهیم. موبایلی را در دست مدیر معدن نشان دهیم. یک ماشین رولز رویس مشکی را نیز می بینیم که بعضی کارگران با احتیاط و با رعایت فاصله با محافظان کت و شلوار پوش خوش هیکل و عمامه عربی به سر، با نگاههای خیره دور آن جمع شده اند. مثلا به کامیون های حمل زغال سنگ اشاره می کنیم. و دزدی زنهای و بچه ها از پس ماندهای زغال سنگ کامیون ها. بعد باید صحنه ای از معدن زغال سنگ سوزان جیهاریا را ببینیم و شهر جیهاریا را.



سرشان را که بالا می‌آورند، همه همسایه ها را می‌بینند که از روی پشت بام و پنجره ها سرک کشیده و دعوای آن دو را نگاه می‌کنند. در صحنه بعد، همه همسایه ها را داخل حیاط خانه آهوبال می‌بینیم. هر یک هر آنچه پول داشته را روی پلاسی که آهو روی آن نشسته می‌ریزند.

کاتسو که به نظر بسیار خجالت زده است، با شرم می‌گوید: این اصلاً کافی نیست. هزینه بردنش به شهر هم همیشه. یکی از زن های میانسال می‌گوید اگر درآمد درست و حسابی می‌خواهید باید به کشورهای عربی بروید. آهوبال فقط سرش را به نشانه مخالفت شدید تکان می‌دهد. **یکی از همسایه ها به یک زن فربه که آنجاست می‌گوید: «پس مانیش کجاست؟ اون از همه ما پولدارتره. چرا کاری نمی‌کنه؟» زن می‌گوید: پسر من با خیلی از معدنچیان دیگه رفته دانباد تا حقوق عقب موندشونو رو بگیره. حقوق بعضی آدمای بی عرضه رو هم پسر من باید بگیره!» و نگاهی بسیار بد به آهوبال می‌اندازد. در همه جمع، مادر مانیش که همسایه قدیمی آنهاست دم گوش کاتسوری می‌گوید: «طلاقش بده... مانیش هنوز دوستت داره. می‌دونی که اجازه خواستگاری هیچکس رو به ما نداده؟ می‌خواد باهات صحبت کنه. چند روز دیگه بر می‌گرده» بعد از رفتن همه، کاتسو تکه های کارت ناصر را از روی زمین جمع می‌کند. آهوبال می‌بیند اما به روی خود نیاورده، سرش را به زیر می‌اندازد.**

کارت سوم: پدر در احتضار

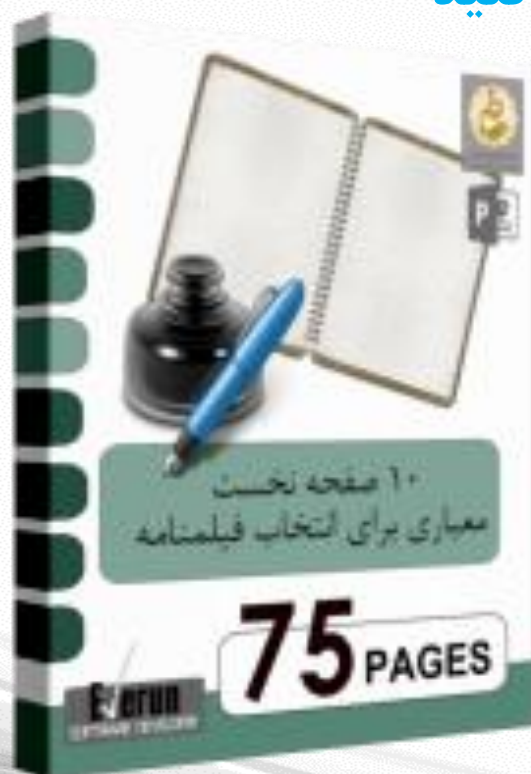
۵ کلمه: پیشنهاد، بیماری پدر، مشاجره، همسایه ها

کارت سوم حدوداً دو تا دو و نیم دقیقه طول می‌کشد و دیالوگ محور است. می‌دانیم که داستان باید به حادثه انگیزنده دنیای داستان و سپس حادثه انگیزنده قهرمان منتهی شود. پس برای کارت بعد آماده شوید.



مطالبی که خواندید قسمت کوچکی از فایل آموزشی (۱۰ صفحه نخست، معیاری برای انتخاب فیلمنامه) بود. توصیه می کنیم چنانچه می خواهید به صورت **حرفه ای** قدم در دنیای فیلمنامه نویسی بگذارید، حتما این مجموعه آموزشی کم نظیر را تهیه نمایید.

برای دانلود، روی آیکون زیر کلیک کنید



دارای مجوز نشر آنلاین مرکز توسعه فن آوری
اطلاعات و رسانه های دیجیتال
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به توسعه
دهنده نرم افزار اوران می باشد.



ملاحظه کردید؟

در جلسات اول، تا سوم، ما با توجه به **تم، ایده و ژانر**، داریم خانه‌های پازل فیلمنامه را یکی یکی پر می‌کنیم. سپس در جلسه چهارم با **کاراکترهای داستان** آشنا شدیم.

در جلسه پنجم، **ساختار فیلمنامه** را با توجه به آموزه‌های آن جلسه برگزیدیم.

در جلسه ششم اولین گام یعنی تعیین پایان داستان و همچنین تعیین **صحنه پایانی** را انجام دادیم.

در جلسه هفتم، دومین مرحله یعنی، طرح **صحنه افتتاحیه** را به انجام رسانیدیم.

در (پیش نیاز) جلسه هشتم، با کلیات **پرده اول** آشنا شدید.

و در جلسه نهم، سومین گام اصلی یعنی **حادثه انگیزنده** را تعیین کردیم.

در جلسه دهم با **نقطه عطف اصلی اول** است آشنا شدیم.

در این یازدهم با **نقطه عطف اصلی دوم** آشنا شدیم.

و در این جلسه با اهمیت **۱۰ صفحه نخست فیلمنامه** و روش‌های موثر قلاب اندازی آشنا شدیم.

دلیل ترتیب جلسات آموزشی ما نیز به همین دلیل است. مطمئن باشید با این روش بسیار ساده تر از سایر روش‌ها، فیلمنامه را به انجام خواهیم رسانید. البته هدف ما فقط اتمام یک فیلمنامه نیست. هدف ما اتمام یک فیلمنامه قوی و تاثیرگذار است.

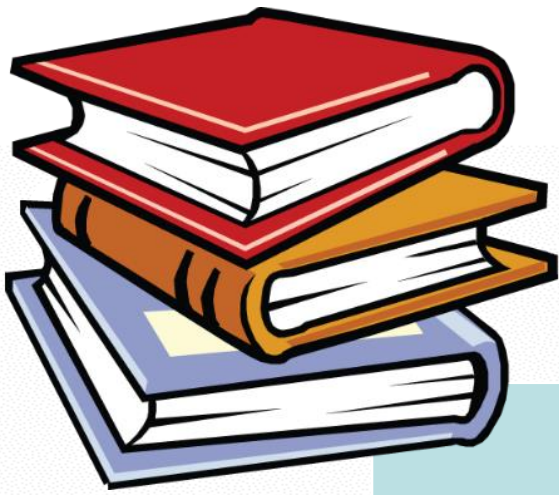
با ما همراه باشید.

to be

CONTINUED

- برای آشنایی با **تم (THEME)**، **ایده (IDEA)**، **ژانر (GENRE)**، **کاراکتر (CHARACTER)** و **ساختار (STRUCTURE)**، **پایان بندی (ENDING)**، **صحنه افتتاحیه (OPENING SCENE)**، **پرده اول (ACT I)**، **حادثه انگیزنده (INCITING INCIDENT)**، **نقطه عطف اول (FPP)**، **نقطه عطف دوم (SPP)** و **ده صفحه نخست (FIRST TEN PAGE)** و آشنایی با جزئیات کامل هر کدام از این مفاهیم، به سایت everun.ir مراجعه کنید و آموزش آنها را در قالب فایل پاورپوینت تهیه نمایید.





منابع:

ردیف	منبع
1	Top Tips to Tantalize an Executive to Love the First Ten Pages of a Screenplay
2	First 10 Pages: 5 Major Rules
3	Your First Ten Pages
4	The Secret to the First 10 Pages
5	How To Make The First Ten Pages Of Your Screenplay Great!
*	۵ مقاله و ۱ کتاب دیگر...

ترجمه، تالیف و نگارش:



توسعه دهنده نرم افزار اوران
گروه طراحی نرم افزار سناریست (نسخه حرفه ای)